

تفسیر متون وحیانی

سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۹۶ ص ۱-۲۷

شیوه‌ی تبلیغ حضرت عیسی(ع) در قرآن کریم بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل

دکتر مجید حیدری فر^۱، مرتضی سازجینی^۲، عباس یوسفی تازه‌کندی^۳

چکیده

این پژوهش به بیان چگونگی شیوه‌ی تبلیغ حضرت عیسی(ع) در قرآن کریم می‌پردازد. در این راستا ابتدا آیاتی که درباره‌ی منزلت ایشان است، احصاء شده و سپس آیات مربوط به چگونگی تبلیغ ایشان بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل بر سه محور حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن، مورد بررسی قرار گرفته است. مقصود از تبلیغ در این تحقیق، برداشت مثبت، یعنی رساندن معارف حقه الهی به مردم است. قابل ذکر است که در این تعریف از شیوه‌ی تبلیغی عیسی(ع) در قرآن، تنها آیاتی که به حالت متقابلی یعنی گفت و شنود بین ایشان و مردم دلالت دارد اشاره شده و در این آیات حضرت عیسی(ع) در مقام بیان و دعوت مردم به ایمان به‌خداوند متعال و دین الهی هستند. این پژوهش به صورت توصیفی انجام شده و در نتیجه در می‌یابیم که تبلیغ عیسی(ع) بر اساس بینه و دعوت مردم به

^۱. استادیار دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. dr.mheidarifar313@yahoo.com.

^۲. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم. (نویسنده مسئول)
mortaza.1370@chmail.ir

^۳. دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم.
Auosefi6@gmail.com

تاریخ دریافت : ۹۶/۷/۲۰ پذیرش نهایی : ۹۶/۹/۱۵

عبادت «الله» به شیوه‌ی حکمت است، زیرا دارای برهان و استدلال عقلی است و تصدیق تورات توسط عیسی(ع) در دعوت مردم، تبلیغ از نوع جدال احسن است.

کلید واژه‌ها: عیسی(ع)، تبلیغ، حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن.

۱- طرح مسئله

پدیده‌ی تبلیغ از بدو پیدایش انسان با زندگی او گره خورده و تا فرجام آن نیز ادامه خواهد داشت. از نظر قرآن کریم، اولین مبلغ حضرت آدم(ع) بوده است و باید گفت که تاریخ تبلیغ با بعثت رسولان رقم خورده و بنیانگذاران تبلیغ الهی، پیامبران بوده‌اند. (الهامی‌نیا، بی‌تا: ۳۴)؛ (إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ) (فاطر/۲۴) همان‌گونه که امر تبلیغ دین ضرورت دارد، شیوه‌ی تبلیغ نیز دارای اهمیت است و باید به درستی انجام شود، تا مفید واقع شود.

این پژوهش قصد دارد تا شیوه‌ی تبلیغی حضرت عیسی(ع) به‌عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم، در دعوت مردم به سوی خدای سبحان را مورد بررسی قرار دهد. برای دستیابی به شیوه دعوت پیامبران و رسولان الهی، قرآن به‌عنوان آخرین کتاب اطلاع‌رسانی و پیام‌دهی الهی که معتبرترین منبع نیز به‌شمار می‌رود، ملاک و منبع تحقیق قرار گرفت. پژوهش حاضر به‌دنبال پاسخگویی به سوالات زیر است:

۱. کدام آیات در قرآن کریم مربوط به تبلیغ حضرت عیسی(ع) است؟

۲. شیوه‌ی تبلیغی ایشان در هر کدام از این آیات چگونه است؟

برای دستیابی به این اهداف، ابتدا تمامی آیات راجع به حضرت عیسی(ع) را احصاء کرده و به دو بخش: آیات مربوط به بُعد شخصی و شخصیتی (نبوت) تقسیم می‌کنیم. و به خاطر این که آیات مربوط به بُعد شخصی ایشان از حیطة‌ی بحث تحقیق خارج است، کنار گذاشته و به آیاتی که درباره‌ی بُعد شخصیتی ایشان است، خواهیم

پرداخت. در این مرحله نیز آیاتی که در مقام تبلیغ و دعوت نیست را کنار گذاشته و تنها به آیاتی که مربوط به تبلیغ است، خواهیم پرداخت و در نهایت شیوهی تبلیغ در آیات باقی مانده را بر اساس آیه ۱۲۵ سوره نحل بر سه محور حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن، تطبیق داده و مشخص می‌کنیم هر کدام از این آیات به کدام یک از محورهای تبلیغ، دلالت دارد.

درباره پیشینه تحقیق باید متذکر شویم در مورد روش تبلیغی پیامبران، کتاب-هایی با عناوین: اسوه‌های قرآنی و شیوهی تبلیغ، نوشته مصطفی عباسی مقدم، روش اطلاع رسانی انبیاء در قرآن، نوشته پروانه رشته احمدی، تبلیغ و قرآن نوشته حجت الاسلام محسن قرائتی، تبلیغ در قرآن، نوشته علی اصغر الهامی‌نیا نگاشته شده است و مقاله‌ای نیز در مورد شیوهی تبلیغی حضرت عیسی(ع) تالیف نشده است. تفاوت این اثر با کتب فوق همانگونه که ذکر شد در دو بعد است: ۱- در انتخاب آیات: تنها آیاتی که در مقام تبلیغ هستند، مورد بحث قرار گرفته است. ۲- شیوهی تبلیغ آنها نیز بر اساس حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن تبیین شده است.

۲- مفهوم‌شناسی تبلیغ

تبلیغ از ریشه «ب.ل.غ» و به معنای رسیدن به چیزی دانسته‌اند. (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۰۱/۱) برخی آن را به معنای رسیدن به انتهای مقصد و گاهی نزدیک شدن به مقصد هر چند به آخر آن نرسد، معرفی کرده‌اند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۴۴؛ جوهری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۳۱۶) و برخی رسیدن به نهایت یک چیز معنا کرده‌اند (ابن سیده، ۱۴۲۱: ۵/۵۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۱۹) و وجه تمایز آن با واژه وصول را این‌گونه دانسته‌اند که ماده «بلغ» بیشتر از ماده «وصل» به رسیدن به انتهای چیزی دلالت دارد. (عسکری، ۱۴۰۰، ص ۵۶؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۳۳) تبلیغ مصدر باب تفعیل، متعدی و به معنای رساندن است. این واژه در زبان فارسی، کاربردی اصطلاحی یافته و به رساندن پیام یا خبر دینی اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۴۷، ج ۴، ص ۵۵۹۸) تبلیغ امروزه در مناسبات سیاسی، اجتماعی و سوگیری‌های

فرهنگی جایگاهی ویژه دارد و از این رهگذر شیوه‌ها و ابزارهای متنوعی برای رساندن پیام، پدید آمده است که برای آگاهی از آن، ساز و کارهای آموزشی گوناگونی تعریف شده است.

در اصطلاح، برای «تبلیغ» تعاریف متعددی ذکر شده که چندان تفاوتی با هم ندارند، اما برخی با توجه به آیات بلاغ و دعوت در قرآن کریم، تبلیغ را به: «روش یا روش‌های به هم پیوسته، در قالب یک مجموعه برای بسیج و جهت دادن نیروهای فردی و اجتماعی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات افراد، برای رسیدن به یک هدف یا اهداف مشخص» (کرمی، ۱۳۸۰: ۱۱) و برخی دیگر به: «رساندن پیام به دیگری به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار او» تعریف کرده و آن را «بر سه عنصر اصلی پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام استوار» دانسته‌اند. (رهبر، ۱۳۷۱: ۸۰) و در مجموع، چنانکه شهید مطهری معتقدند، در مفهوم شناسی تبلیغ، دو برداشت و فهم متفاوت وجود دارد:

- ۱- برداشت مثبت: رساندن پیام حقیقی از کسی به کس دیگر، ارشاد و هدایت مردم، ایجاد نیرو و حرکت در جامعه به سوی رسیدن به سعادت، کمال و ارزش‌های واقعی و ماندگار.
- ۲- برداشت منفی: سوء استفاده‌های دروغین از ابزار، وسایل و امکانات موجود، برای رسیدن به اهداف و مقاصد پست؛ یعنی چیزی را که حقیقت ندارد، با دروغ پراکنی تبلیغی به خورد مردم و جامعه دادن است. (به نقل از: شفق، ۱۳۹۰: ۱۹۸)

مقصود ما از تبلیغ در این تحقیق برداشت مثبت از این تعریف، یعنی رساندن معارف حقه الهی به مردم است و قابل ذکر است که در تعریف ما از شیوه‌ی تبلیغی پیامبران در قرآن، تنها آیاتی که به حالت متقابلی یعنی گفت و شنود بین پیامبران و

مردم دلالت دارد و در این آیات نیز حضرات معصوم در مقام بیان و دعوت مردم بر ایمان به خدای متعال و دین الهی هستند، مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۳- شیوهی تبلیغ از منظر قرآن کریم

قرآن کریم شیوه دعوت به سوی خدای سبحان را تعیین نموده است. بر اساس آیه (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ)؛ «[مردم را] با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن، و با آنان به نیکوترین شیوه به بحث [و مجادله] پرداز، یقیناً پروردگارت به کسانی که از راه او گمراه شده‌اند و نیز به راه یافتگان داناتر است.» (النحل/۱۲۵) شیوه دعوت به سوی خدا باید در سه محور حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن باشد.

تبلیغ دین و رساندن پیام الهی به مردم باید با روش‌های خاصی صورت گیرد که تأثیر مطلوب خود را داشته باشد. در این آیه سه روش برای دعوت به حق ذکر شده و از پیامبر خدا(ص) خواسته شده که دعوت خویش را بدین شکل انجام دهد. صحیح است که مخاطب خاص و اصلی آیه پیامبر اکرم(ص) است ولی باید دانست که تبلیغ دین و دعوت دیگران به راه خدا، تکلیفی الهی بر همگان است و با الغای خصوصیت می‌توان بر همگان تعمیم داد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۴۱۷/۹)

شیوهی پیامبران دیگر نیز در تبلیغ بر محور همین سه امر بوده است. اینک به شرح هر یک از این محورها خواهیم پرداخت:

۱-۳- حکمت

حکمت در لغت از ریشه «ح.ک.م» به معنی منع و باز داشتن است (ابن فارس، ۱۴۱۴: ۹۱/۲) برخی رابطه حکمت با اصل لغوی آن را بدین گونه می‌دانند که

حکمت، صاحبش را از انجام رذائل باز می‌دارد. (فیومی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۴۵) و برخی دیگر حکمت را به معنای عدل، علم و حلم، نبوت و قرآن گرفته‌اند. (فیروزآبادی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۳۹) صاحب قاموس قرآن می‌نویسد: «با مراجعه به اصل معنی کلمه می‌توان بدست آورد که حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص به‌وسیله آن می‌تواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد. علی‌هذا، حکمت، حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی بلکه شیء محکم خارجی از نتایج حکمت است.» (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۶۳/۲)

طبرسی، مراد از حکمت را گفتار صحیح و درست و دلیل روشن‌کننده‌ی حقیقت می‌داند. (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳۱۴/۲) علامه‌ی طباطبایی، مراد از حکمت را حجتی می‌داند که حق را نتیجه دهد به طوری که هیچ شک، وهن و ابهامی در آن نماند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۱/۱۲)

به هر حال نخستین گام در دعوت به سوی حق استفاده از منطق صحیح و استدلالات حساب شده است، و به تعبیر دیگر دست انداختن در درون فکر و اندیشه مردم و به حرکت در آوردن آن و بیدار ساختن عقل‌های خفته نخستین گام محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۴۵۵/۱۱)

۲-۳- موعظه‌ی حسنه

موعظه از ریشه‌ی «و.ع.ظ» است و بنا بر تعریف صاحب‌العین، «وعظ تذکر و یادآوری سخنی است که با خیر و خوبی همراه باشد که قلب و دل را لطیف و روشن سازد.» (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۲۸) راغب، وعظ را به معنای نهی و زجری که با ترسانیدن همراه می‌باشد، گرفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۸۶)

علامه‌ی طباطبایی می‌نویسد: «موعظه، عبارت از بیانی است که نفس شنونده را نرم، و قلبش را به دقت در آورد، و آن بیانی خواهد بود که آنچه مایه صلاح حال شنونده است و خدای متعال موعظه را به حسنه بودن مقید ساخته است.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۱/۱۲) و این دومین گام در طریق دعوت به راه خدا است، یعنی استفاده کردن از عواطف انسان‌ها، چرا که موعظه، و اندرز، بیشتر جنبه‌ی عاطفی دارد که با تحریک آن می‌توان توده‌های عظیم مردم را به طرف حق، متوجه ساخت.

مقید ساختن «موعظه» به «حسنة» شاید اشاره به آن است که اندرز در صورتی مؤثر می‌افتد که خالی از هر گونه خشونت، برتری جویی، تحقیر طرف مقابل، تحریک حس لجاجت او و مانند آن بوده باشد، چه بسیارند اندرزهایی که اثر معکوسی می‌گذارند به خاطر آنکه مثلا در حضور دیگران و توأم با تحقیر انجام گرفته و یا از آن استشمام برتری جویی گوینده شده است، بنابراین، موعظه هنگامی اثر عمیق خود را می‌بخشد که «حسنة» باشد و به صورت زیبایی پیاده شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۴۵۶/۱۱) و در نتیجه می‌توان گفت که حکمت، دارای بعد عقلی است ولی موعظه‌ی حسنه دارای جنبه‌ی عاطفی است.

۳-۳- جدال احسن

اصل کلمه «جدل» به معنای محکم تاباندن ریسمان و طناب است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۸۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۰۳/۱۱) و بعضی‌ها آن را به معنای زمین زدن و کشتی گرفتن دانسته‌اند، که یکی دیگری را بر زمین سخت که همان (جداله) است، می‌اندازد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱۸۹)

در کتب منطقی، جدل را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «جدل صناعتی علمی است که توسط آن، می‌توان بر حسب امکان، با مقدمات مسلمه، بر هر مطلوبی که مورد نظر باشد و حفظ هر وضعی که اتفاق افتد، استدلال کرد؛ به نحوی که هیچ نقضی متوجه آن نباشد.» (مظفر، ۱۳۶۸: ۳۷۷)

به بیان دیگر، جدل عبارت است از: دلیلی که صرفاً برای منصرف نمودن خصم از آنچه که بر سر آن نزاع می‌کند به کار برود، بدون این که خاصیت روشنگری حق را داشته باشد، بلکه عبارت است از این که آنچه را که خصم خودش به تنهایی و یا او و همه‌ی مردم قبول دارند بگیریم و با همان ادعایش را رد کنیم. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۱/۱۲)

قرآن کریم، هر مجادله‌ای را برای دعوت به حق نمی‌پذیرد و تنها جدال احسن را برای دعوت و تبلیغ معرفی می‌کند. بدیهی است مجادله و مناظره نیز هنگامی مؤثر می‌افتد که «بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» باشد، حق و عدالت و درستی و امانت و صدق و راستی بر آن حکومت کند و از هر گونه توهین و تحقیر و خلاف‌گویی و استکبار خالی باشد، و خلاصه تمام جنبه‌های انسانی آن حفظ شود. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۱/۴۵۷)

بدین ترتیب بعد از بحث درباره‌ی شیوه‌ی تبلیغ که در حوزه‌ی نحوه‌ی سخن گفتن است به بررسی شیوه‌ی تبلیغی حضرت عیسی(ع) در سه محور یاد شده خواهیم پرداخت تا مشخص شود که ایشان از چه شیوه‌هایی برای تبلیغ در بین مردم استفاده کرده است.

۴- دسته‌بندی آیات در مورد حضرت عیسی(ع)

همان‌طور که در قسمت «مفهوم شناسی تبلیغ» عنوان شد، آیاتی راجع به تبلیغ است که به صورت گفت و شنود بین پیامبران الهی و مردم باشد و حضرات معصوم نیز در مقام بیان و دعوت به خدای متعال باشند. بر اساس این تعریف ابتدا به دسته-بندی آیات مربوط به حضرت عیسی(ع) در قرآن کریم خواهیم پرداخت.

بدین منظور آیات را به دو دسته‌ی «موضوعات شخصی» و «موضوعات شخصیتی» تقسیم کرده‌ایم.

۴-۱- آیات مربوط به ویژگی‌های شخصی حضرت عیسی(ع)

منظور از حوزه شخصی، موضوعاتی است که درباره‌ی مسائل خصوصی مانند، نام، خصوصیات جسمی و حتی رفتاری است. این‌گونه موضوعات به خاطر این‌که ایشان در مقام تبلیغ نبوده‌اند از حیثه‌ی بحث تبلیغ- با توجه به تعریف ارائه شده- خارج است. البته برخی از ویژگی‌ها را می‌توان به عنوان تبلیغ عملی محسوب کرد و با توجه به این‌که انبیاء الهی برترین اسوه‌ها برای ما هستند، اعمالشان برای ما حجت است.

آیاتی که بیانگر ویژگی‌های شخصی حضرت عیسی(ع) است، به قرار ذیل هستند:

۴-۱-۱- کلمه الهی بودن

عیسی(ع)، تنها پیامبری است که در قرآن از وی تعبیر به «کلمه الله» شده است و در معنای «کلمه الله» برای عیسی(ع) در بین مفسران نظرات متفاوتی وجود دارد و به نظر بیشتر مفسران کلمه نامیده شدن حضرت به خاطر نوع خلقت ایشان است. (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۹/۲؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۹۶/۳) آیات دال بر کلمه الله بودن عیسی(ع) به قرار ذیل است:

﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ﴾ (آل عمران/۴۵)؛ « [یاد کنید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه‌ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است» و ﴿إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ﴾ (نساء/۱۷۱)؛ « جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست».

۴-۱-۲- بنده‌ی خداوند بودن

حضرت عیسی(ع) هنگامی که در گهواره بود با مردم سخن گفت و خویش را «عبدالله» خواند: ﴿قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ﴾ (مریم/۳۰). در جایی دیگر، قرآن، در اعتراض به

کسانی که در مورد عیسی(ع) غلو کرده‌اند، می‌فرماید: (لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ) (نساء/۱۷۲)؛ « مسیح از اینکه بنده خدا باشد، هرگز امتناع ندارد».

۳-۱-۴- خصوصیات جسمانی

دیگر آیاتی که بیانگر ویژگی‌های شخصی حضرت عیسی(ع) است، عبارتند از: آیه‌ی (مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ) (مائده/۷۵)؛ « مسیح، فرزند مریم جز فرستاده‌ای [از سوی خدا] نیست که پیش از او هم فرستادگانی گذشته‌اند. و مادرش زن بسیار راستگو و درست‌کاری بود. هر دو [مانند انسان‌های دیگر] غذا می‌خوردند» این آیه دلالت می‌کند که مریم و عیسی(ع) هر دو مانند تمام انسان‌ها دارای عوارض و محدودیت‌های جسمانی بودند که از آن جمله می‌توان، نیاز به غذا را نام برد.

۴-۱-۴- وجیه در دنیا و آخرت

حضرت عیسی(ع) در قرآن کریم، وجیه در دنیا و آخرت معرفی شده است: (وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) (مائده/۴۵). وجیه به معنی صاحب جاه و والا مقام است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۴۸/۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵۶/۲) و این آیه نشان دهنده‌ی جایگاه ایشان در دنیا و آخرت است.

۵-۱-۴- از مقربان بود

در وصف ایشان آمده است که از مقربان است (وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ) (آل عمران/۴۵). مقرب کسی است که به درگاه و رحمت خدا نزدیک شده است، در سوره‌ی واقعه، مردم به سه دسته تقسیم شده‌اند یکی از آنها: أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ است. (قرشی، ۱۳۷۵: ۷۸/۲)

۶-۱-۴- بشارت اسم حضرت عیسی (ع)

چنانکه در قرآن آمده است نام حضرت عیسی (ع) نیز توسط ملائکه به مادر ایشان بشارت داده شده است. (إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ) (آل عمران/۴۵)؛ «[یاد کنید] زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم! یقیناً خدا تو را به کلمه‌ای از سوی خود که نامش مسیح عیسی بن مریم است مژده می‌دهد»

۷-۱-۴- سخن گفتن در مهد

از دیگر ویژگی‌های شخصی عیسی (ع) سخن گفتن با مردم در گهواره است (وَ يُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران/۴۶)؛ «و با مردم در گهواره [به صورت کاری خارق العاده] و در میان سالی [با زبان وحی] سخن می‌گوید و از شایستگان است.»

۸-۱-۴- از جمله صالحان است

در آیات قرآن کریم، عیسی (ع) از صالحان محسوب شده است. (وَ زَكَرِيَّا وَ يَحْيَى وَ عِيسَى وَ إِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ) (انعام/۸۵) برخی مفسرین صالح مطلق را مرادف با معصوم دانسته‌اند (طیب، ج ۵، ص ۱۲۹) و برخی دیگر صالح در این آیه را به معنای نبی و مومن گرفته‌اند. (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۱۶۷)

۹-۱-۴- روح الله

قرآن کریم، از عیسی (ع) با عنوان روح الله یاد نموده است که اشاره به نوع خلقت ایشان دارد. (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ) (نساء/۱۷۱)

۱۰-۱-۴- آیه بودن عیسی(ع)

عیسی و مریم(ع) هر دو به عنوان آیت برای جهانیان معرفی شده‌اند. (وَجَعَلْنَاهَا وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ)(انبیاء/۹۱)

۱۱-۱-۴- صاحب سلام

از دیگر نکات برجسته راجع به حضرت عیسی(ع)، این که در سه موقف بر خودشان سلام یاد کرده‌اند. (وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا) (مریم/۳۳)؛ «و سلام بر من روزی که زاده شدم، و روزی که می‌میرم، و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم.»

۱۲-۱-۴- مبارک بودن

در قرآن کریم به نقل از ایشان آمده است که هر جا که باشم بسیار با برکت و سودمندم ساخته است. (وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ) (مریم/۳۱)

۱۳-۱-۴- توصیه شده بود به صلاه و زکات تا موقع حیات

در ادامه آیه سی و یکم سوره مبارکه ی مریم به نقل از عیسی(ع) آمده که مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است. (وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا) (مریم/۳۱)

۱۴-۱-۴- مهربانی نسبت به مادر

از دیگر ویژگی‌های شخصی حضرت عیسی(ع) مهربانی و نیک رفتاری ایشان نسبت مادر خویش بوده است که این نیک رفتاری مانع از شقاوت ایشان شده است.

(وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا) (مریم/۳۲)؛ «و مرا نسبت به مادرم نیکوکار [و خوش رفتار] گردانیده و گردنکش و تیره‌بختم قرار نداده است.»

با بررسی آیات فوق روشن شد که همه‌گی این امور در بعد مسائل شخصی ایشان است و از حیثه بحث تبلیغ خارج است. اگر چه برخی امور مانند نیک رفتاری نسبت به مادر را می‌توان از ایشان سر مشق گرفت و این بُعد را شامل تبلیغ عملی احکام دینی دانست، اما آنچنان که موضوع تحقیق است، در پی کشف شیوه‌ی تبلیغ دین به مردم در بُعد گفتاری هستیم.

۲-۴ - آیات مربوط به ویژگی‌های شخصیتی حضرت عیسی (ع)

مراد از ویژگی شخصیتی، اموری هستند که مربوط به بُعد رسالت حضرت عیسی (ع) می‌شوند. در این بخش آیات مرتبط با شخصیت رسالت ایشان را از قرآن کریم احصاء کرده و سپس آیات مربوط به تبلیغ ایشان را به تفصیل، بررسی خواهیم کرد.

۱-۲-۴ - آیاتی که دلالت بر رسالت و خصایص آن دارد

در آیات قرآن کریم، حضرت عیسی (ع) به عنوان رسول و نبی معرفی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به آیات زیر استناد کرد: (إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ) (نساء/۱۷۱)؛ «جز این نیست که مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست» و همچنین در سوره‌ی مائده از ایشان با تعبیر «رسولی» یاد شده است. (وَ إِذْ أُوحِيَتْ إِلَى الْخَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي) (مائده/۱۱۱)؛ «و [یاد کنید] هنگامی که به خواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ی من ایمان آورید» و آیه (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا) (مریم/۳۰)؛ «نوزاد از میان

گهواره] گفت: بی‌تردید من بنده خدایم، به من کتاب عطا کرده و مرا پیامبر قرار داده است.» که دلالت بر نبی بودن ایشان دارد.

در سوره‌ی نساء از ایشان در کنار دیگر انبیاء الهی یاد شده و آمده است که بر ایشان وحی نازل می‌شد که نشان‌گر یکی دیگر از ابعاد شخصیت رسالتی ایشان است. (إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا) (نساء/۱۶۳)؛ «ما به تو وحی کردیم، همان گونه که به نوح و پیامبران پس از او وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و نوادگان [دارای مقام نبوتشان] و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان نیز وحی نمودیم؛ و به داود، زبور دادیم» و همچنین اخذ میثاق خدای متعال از عیسی (ع) بر طبق آیه (وَ إِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا) (احزاب/۷) «و [یاد کن] زمانی را که از پیامبران [برای ابلاغ وحی] پیمان گرفتیم، و [نیز] از تو و از نوح و از ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از همه آنان پیمانی محکم و استوار گرفتیم».

از مشخصه‌های رسالت حضرت عیسی (ع) تعلیم کتاب، حکمت، تورات و انجیل به ایشان است (وَ يُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ) (آل عمران/۴۸) تعلیم تورات و انجیل به ایشان نشان دهنده وجه رسالت ایشان است. البته در معنای «کتاب» در این آیه بین مفسران اختلاف وجود دارد، برخی مفسران کتاب را در آیه به معنای خط و کتابت گرفته‌اند (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۶۴) و به عقیده‌ی برخی دیگر، منظور از کتاب، آن وحیی است که برای رفع اختلاف مردم نازل شد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹۷/۳)

تأیید به وسیله‌ی روح القدس از دیگر ویژگی‌های عیسی (ع) است، چنانکه آیات، بدان اشاره دارد. (وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ) (بقره/۸۷)؛ (وَ أَيْدِنَاهُ بِرُوحِ

الْقُدُسِ) (بقره/۲۵۳)؛ (إِذْ أَيْدُتَكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ) (مائده/۱۱۰) منظور از «روح القدس» پیک وحی خداوند یعنی جبرئیل، یا نیروی مرموز معنوی خاصی است، که در «اولیاء الله» با تفاوت‌هایی وجود دارد و اگر در اینجا تایید به روح القدس را در باره حضرت مسیح(ع) بیان فرموده به خاطر آن است که سهم بیشتری نسبت به بسیاری از پیامبران، در او بوده است. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۲/۲۵۴)

در آیه (شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ) (شوری/۱۳)؛ «از دین آنچه را به نوح سفارش کرده بود، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم؛ و آنچه را به ابراهیم و موسی و عیسی به آن توصیه نمودیم [این است] که: دین را برپا دارید و در آن فرقه فرقه و گروه گروه نشوید. بر مشرکان دینی که آنان را به آن می‌خوانی گران است. خدا هر کس را بخواهد به سوی [این] دین جلب می‌کند، و هر کس را که به سوی او بازگردد به آن هدایت می‌کند» به محور اصلی کار پیامبران یعنی اقامه دین و عدم ایجاد تفرقه در آن است، پرداخته شده است و عیسی(ع) نیز یکی از پیامبرانی است که این توصیه به وی نیز شده است.

چنان که گذشت، تمامی آیات مطرح شده مربوط به معرفی شخصیت رسالتی ایشان از جانب خدای سبحان دارد و دلالتی بر امر تبلیغ دین توسط ایشان ندارد.

۲-۲-۴- کارکرد رسالتی حضرت عیسی(ع) (غیر تبلیغی)

دسته دوم از آیات مربوط به بعد شخصیتی حضرت عیسی(ع)، آیاتی هستند که کارهایی که ایشان در مقام رسالت انجام داده‌اند را بیان می‌کنند که این امور به تفکیک موضوع، عبارتند از:

۱-۲-۲-۴- فراخواندن یاران

هنگامی عیسی (ع) کفر و اصرار بر انکار دین و قتل خویش توسط بنی اسرائیل را احساس کرد (فخررازی، ۱۴۲۰: ۲۳۲/۸) فرمود چه کسی یاور من در راه خدا خواهد بود که گروهی اندک به نام حواریون اعلام آمادگی کردند. (فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمْ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ) (آل عمران/۵۲)؛ « زمانی که عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: [برای اقامه دین و سلوک و حرکت] به سوی خدا یاران من کیانند؟ حواریون گفتند: ما یاران خداییم»

۲-۲-۲-۴- تغییر برخی از احکام یهودیت

برطبق آیه (لَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ) (آل عمران/۵۰) یکی دیگر از اهداف رسالت عیسی (ع) حلال کردن آنچه که به مقتضای شرائط نامساعد و ظلم و خشونت تحریم شده بود، است. (فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ) (نساء/ ۱۶۰) وگفته اند چیزهایی که عیسی (ع) حلال کرد، عبارت است از گوشت شتر و بعضی آشامیدنی ها و بعضی پرندگان و ماهیان که بر بنی اسرائیل حرام شده بود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۵۴)

۳-۲-۲-۴- تذکر به حواریون درباره رعایت ادب در درخواست از خدای

متعال

در داستان حضرت عیسی (ع) وقتی حواریون خواستند که خداوند برای آنها از آسمان مائده ای فرو بفرستد، عیسی (ع) آنها را به تقوا دعوت می کند. (إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (مائده/۱۱۲)؛ «[و یاد کنید] زمانی که

حواریون گفتند: ای عیسی بن مریم! آیا پروردگارت می‌تواند برای ما سفره‌ای که غذا در آن باشد از آسمان نازل کند؟! گفت: اگر ایمان دارید، از خدا پروا کنید.»

در این آیه اگر ﴿هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ﴾ به ظاهر معنا بشود، نسبت به کسی که ایمان آورده است، این جمله شایسته نیست و مومن باید هنگام درخواست از خدای متعال مراقب نوع صحبت خود باشد. نباید بگوید که آیا خدا می‌تواند این کار را انجام دهد، بلکه بگوید آیا خدا این خواسته‌ی ما را اجابت می‌کند؟ لکن خدای متعال جواب تند و حادی به وسیله عیسی مسیح به آنها داد و از آنان خواست که تقوا پیشه کنند.

۴-۲-۲-۴- درخواست نزول مائده آسمانی

عیسی(ع) بعد از اینکه اصرار حواریون بر نزول مائده آسمانی را دید گفت: خدایا! ای پروردگار ما! برای ما از آسمان سفره‌ای پر از غذا نازل کن تا عیدی باشد برای اهل زمان ما و نسل آینده‌ی ما، و نشانه‌ای از سوی تو؛ و ما را روزی بخش که تو بهترین روزی دهندگانی. (قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوْلَانَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ) (مائده/۱۱۴)

۴-۲-۲-۵- تبیین اختلافات مردم

از دیگر اقدامات حضرت عیسی(ع) در قالب نبوت حل اختلافات مردم است. (وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لَأَبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونَ) (زخرف/۶۳)؛ « و هنگامی که عیسی دلایل روشن آورد، گفت: به راستی من برای شما حکمت آوردم، و تا برای شما [حکم] برخی [از عقاید و احکام] را که در آن اختلاف می‌کنید بیان کنم؛ بنابراین از خدا پروا کنید و از من اطاعت نمایید.»

۶-۲-۲-۴- دعوت مردم به اطاعت از خویش

مسیح(ع) بعد از آوردن معجزات از مردم می‌خواهد که تقوای الهی پیشه کنند و همچنین از ایشان اطاعت کنند. (وَ جِئْتَكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا) (آل عمران/۵۰)

۷-۲-۲-۴- نظارت بر امت

عیسی(ع) در پیشگاه خدای سبحان، می‌فرماید من به آنها(مسیحیان) گفتم که تنها «الله» را عبادت کنند که «رب» من و شماست. حضرت در ادامه می‌فرماید که من تا زمانی که نزد آنها بودم بر اعمالشان ناظر بودم. (وَ كُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دُمْتُ فِيهِمْ)(مائده/۱۱۷) در این کلام نیز وظیفه‌ی دیگری را که از جانب خدای سبحان به عهده دارد بیان نموده و آن شهادت بر اعمال است، چنان که آیه‌ی شریفه- ی زیر هم به آن اشاره می‌کند(وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً)(نساء/۱۵۸) مسیح(ع) در این فقره از کلام خود عرض می‌کند: من در بین امت خود وظیفه‌ای جز رسالت به‌سوی آنها و گواهی بر رفتارشان نداشتم. رسالت را به روشن‌ترین وجهی که ممکن بود انجام دادم و تا مدتی که در بین آنان بودم شاهد و ناظر اعمالشان هم بودم و به هیچ وجه از وظیفه‌ای که برایم مقرر فرمودی تخطی نکردم. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴۸/۶)

۸-۲-۲-۴- بشارت به رسالت پیامبر اسلام(ص)

در قرآن کریم یکی از فعالیت‌های ایشان در مقام رسالت، چنین بیان شده است: (وَ اِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّراً بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ)(صف/۶)

علامه‌ی طباطبایی در ذیل تفسیر آیه می‌نویسد: «عیسی(ع) نخست با جمله "إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ" اصل دعوت خود را اعلام داشته، اشاره می‌کند به اینکه هیچ شانی و پستی و امتیازی به جز این ندارد، که حامل رسالتی از طرف خدا به سوی ایشان است، و آن گاه متن رسالت خود را شرح می‌دهد تا رسالت خود را ابلاغ کرده باشد، می‌گوید: "مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ ..."، هم نبوت و کتاب قبل از خودم را تصدیق می‌کنم و هم از نبوت بعد از خود خبر می‌دهم.» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۵۱/۱۹) پس بشارت بر آمدن پیامبر خاتم جزء لاینفک رسالت وی بوده است.

آیات فوق همگی دلالت بر اقداماتی دارد که عیسی(ع) در مقام نبوت، در قبال مردم انجام داده و دلالتی بر تبلیغ دین به مردم ندارد و به همین منظور، این آیات نیز از حیطة‌ی بحث شیوه‌ی تبلیغی ایشان خارج است.

۳/۲/۴ - تبلیغ عیسی(ع)

با مشخص شدن معنای تبلیغ در این پژوهش، آیاتی که دلالت بر تبلیغ حضرت عیسی(ع) دارند- به نظر نگارنده- به قرار ذیل است:

۱/۳/۲/۴ - (وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِبَيِّنَاتٍ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ) (زخرف/۶۳)

۲/۳/۲/۴ - (إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (آل عمران/۵۱)؛ (وَ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (مریم/۳۶)؛ (إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (زخرف/۶۴)

۳/۳/۲/۴ - (وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (صف/۶)؛ (و مَصَدَقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحْلِ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا) (آل عمران/۵۰)

در ادامه به شرح چگونگی دلالت آیات نام برده بر امر تبلیغ، خواهیم پرداخت و شیوه‌ی هر کدام از آنها را بر اساس آیه ۱۲۵ سوره‌ی نحل، مشخص خواهیم کرد.

۴- شیوه‌های تبلیغ حضرت عیسی (ع) بر اساس حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن

در این قسمت از تحقیق آیاتی که در مورد تبلیغ حضرت عیسی (ع) هستند را در دو بُعد بررسی می‌شود: ۱- چگونگی دلالت آیات بر امر تبلیغ ۲- آیات به کدام شیوه‌ی تبلیغی دلالت دارد.

قابل ذکر است، همان‌طور که در بخش شیوه‌ی تبلیغ از منظر قرآن کریم، تبلیغ بر سه محور حکمت، موعظه‌ی حسنه و جدال احسن است.

۱-۵- تبلیغ بر اساس حکمت

تبلیغ عیسی (ع) بر اساس حکمت را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: ۱- تبلیغ بر اساس بینه ۲- دعوت به عبادت خدای متعال.

۱-۱-۵- تبلیغ بر اساس بینه

از نظر قرآن تمام پیامبران و به خصوص پیامبر اسلام دارای بینه بودند، آن هم بینه‌های آشکار. منظور از بینه همان حجت و برهان است که برای اثبات مطالب خود اقامه می‌کردند. پیامبران این بیّنات را از جانب خدا آورده بودند و مردم در برابر آن بیّنات گاهی تسلیم می‌شدند و در موارد بیشتری عناد می‌کردند و سربازمی‌زدند. اما به هر حال پیامبران بیّنات را می‌آوردند تا حجت بر مردم تمام شود: (وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ) (مائده/ ۳۲)

بنابراین، اساس دین بر بینه و برهان و حجت و دلیل استوار است و پیامبران همواره با مردم با بینه‌های روشن و حجت‌های آشکار سخن می‌گفتند. (جعفری، ۱۳۷۶: ۲۳۹/۶)

مطابق آیات حیات و دعوی عیسوی، این پیامبر گرامی، موضوع دعوت خویش را بیّنات و آیات حکمت الاهی قرار داده است. (وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَ لِبَيِّنَاتٍ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا) (زخرف/۶۳)

نحوه استدلال: این آیه دلالت بر تبلیغ عیسی(ع) بر اساس حکمت دارد. شیوه استدلال نیز بدین شکل است که آیه در مقام دعوت است و در اینجا عیسی(ع) رو به مردم صحبت می‌کند و در صدد تبلیغ است و حالت متقابلی نیز وجود دارد. در مورد چگونگی دلالت تبلیغ آیه، به شیوهی حکمت نیز باید متذکر شد که همان‌گونه مراد از «بینه» در این آیه معجزات آشکاری است که ایشان به اذن خدا برای مردم می‌آورد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۲/۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۱۸/۱۸) و در قرآن کریم به معجزات عیسی(ع) اشاره شده است: (أَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفَخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَبْرَأُ الْأَكْمَهَ وَ الْأَبْرَصَ وَ أَحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ...) (آل عمران/۴۹)؛ «من از گل برای شما چیزی به شکل پرنده می‌سازم و در آن می‌دمم که به اراده و مشیت خدا پرنده‌ای ازنده و قادر به پرواز می‌شود؛ و کور مادرزاد و مبتلای به پستی را بهبود می‌بخشم؛ و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم؛ و شما را از آنچه می‌خورید و آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید خبر می‌دهم».

شناخت معجزه برای همه کس میسر و امکان‌پذیر نمی‌باشد، بلکه تنها کسانی می‌توانند، معجزه را از دیگر عملیات دقیق علمی و فنی تشخیص دهند که در علوم و فنون مشابه آن معجزه، مهارت و تخصص داشته باشند. حکمت الهی اقتضا می‌کند،

هر پیغمبر را با معجزه‌ای مفتخر سازد که مشابه با صنعت و فن رایج آن زمان و مکان بوده، در آن عصر و محیط آشنایان به آن علم، بیشتر وجود داشته باشند تا بتوانند حقیقت معجزه و تفاوت آن را با علم و یا فن رایج در عصرشان، تشخیص دهند و از روی علم و تخصص اظهار نظر و داوری کنند و نظرشان برای توده مردم معتبر و اطمینان‌آور باشد، در این صورت حجت و برهان الهی برای مردم محکم‌تر و روشن‌تر خواهد بود. (خویی، ۱۴۳۰: ص ۴۰) بدین ترتیب معجزه، خود برهان عقلی است زیرا که خود بشر به عجز از انجام کار مشابه به آن، یقین دارد. بدین روی مراد از بیّنات و آیات، چه استدلال‌های روشن عقلی باشد و چه معجزات آشکاری که به اذن خدا آورده است، به هر تقدیر نشان می‌دهد که روشنگری و منطق نیرومند عقلانی، طریقه‌ی اساسی دعوت عیسی (ع) بوده است. چه، آوردن معجزات نیز حاوی استدلال متقن بر وجود قادر متعال و حقیقت ماورایی حاکم بر خلقت است.

۲-۱-۵- فراخواندن به عبادت خدا

شیوه‌ی تبلیغ در آیات ۵۱ سوره آل عمران، ۳۶ سوره مریم و ۶۴ سوره زخرف بر اساس حکمت است. (إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَ رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (آل عمران/۵۱)؛ «یقیناً خدا پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را پرستید، این است راه راست»

نحوه‌ی استدلال: در این آیه نیز عیسی(ع) در مقام تبلیغ و دعوت مردم به عبادت خدای یگانه است، از این روی آیه مربوط به تبلیغ عیسی(ع) است.

اما در مورد چگونگی دلالت تبلیغ بر حکمت، باید گفت که در این جمله عذر و بهانه‌ی آن کسی را که به الوهیت عیسی (ع) معتقد شده را باطل می‌کند، چون عیسی (ع) به هوشیاری خود دریافته بود و یا به وسیله وحی آگاه شده بود که بعضی به خاطر دیدن آن معجزات به الوهیت وی معتقد خواهند شد. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰:

۲۰۲/۲) با توجه به اسمیه بودن جمله و تاکید و حصری که در «إِنَّ اللَّهَ» وجود دارد و همچنین تکرار با دو اضافه‌ی «رَبِّي وَ رَبُّكُمْ» که اعلام هم سطحی و تساوی در برابر خدا است، بیانگر دلیل «فاعبدوه» است، چون همان خدا، رب من و رب شماست پس، او را بپرستید. (ر.ک: طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۴۶/۵)

در اینجا باید به این نکته توجه شود که استدلال عقلی در فهم معنای «رب» است، وقتی کسی بداند که مالک مدبر او چه کسی است، باید او را عبادت کند و همچنین بعد از آوردن معجزه که گفته شده نوعی برهان است، باید سخن پیامبر (آورنده معجزه) را نیز صدق انگاشت، زیرا عیسی(ع) نیز اذعان دارد که مالک مدبر او نیز «الله» است.

۲-۴- تبلیغ بر اساس جدال احسن

شیوه‌ی تبلیغ در آیاتی همچون آیه پنجاهم سوره مبارکه آل عمران و نیز آیه ششم سوره صف و آیاتی که در آنها عیسی(ع) خود را مصدق تورات معرفی کرده است، از نوع جدال احسن است. (إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ) (صف/۶)

نحوه‌ی استدلال: اولاً همان‌طور که قبلاً ملاحظه شد این آیه در مقام تبلیغ است و ثانیاً جمله ﴿مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ﴾، سخن گفتن با اهل کتاب براساس «جدال احسن» است؛ یعنی همان کتاب نزد شما را تصدیق می‌کنم و سخن جدیدی نیاورده‌ام، مگر در قلمرو شرع و منهج (شریعت)، پس طبق شواهد نقلی و لبی، تصدیق همان توراتی مراد است که نزد مردم بوده است. (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۳۴۵/۱۴)

و همان‌طور که در تعریف جدل، گذشت چون سائل مسلمات مجیب را مقدمه

ص ۳۸۵) و در این آیه نیز عیسی(ع) پایه دعوت خویش را مسلمات یهود، یعنی تصدیق تورات، گذاشته است.

نتیجه

عیسی(ع) از انبیاء بنی اسرائیل و نام مبارکش ۲۵ بار در قرآن کریم ذکر شده است. این پژوهش با هدف مشخص شدن شیوه‌ی تبلیغی حضرت عیسی(ع) به‌عنوان یکی از پیامبران اولوالعزم، در دعوت مردم به سوی خدای سبحان در قرآن کریم، نگارش یافت.

مقصود ما از تبلیغ در این تحقیق، برداشت مثبت از این تعریف، یعنی رساندن معارف حقه‌ی الهی به مردم است و قابل ذکر است که در تعریف ما از شیوه تبلیغی عیسی(ع) در قرآن، تنها آیاتی که به حالت متقابلی یعنی گفت و شنود بین ایشان و مردم دلالت دارد و در این آیات نیز حضرت عیسی(ع) در مقام بیان و دعوت مردم بر ایمان به خدای متعال و دین الهی هستند، مورد بحث قرار گرفت. بر این اساس آیات مربوط به عیسی(ع) به دو بخش یعنی آیات مربوط به بُعد شخصی و آیات مربوط به بُعد شخصیتی ایشان تقسیم شد و از بین آیات مربوط به بُعد شخصیتی آنها، آیات دال بر تبلیغ ملاک قرار گرفت.

آیه ۱۲۵ سوره نحل شیوه‌ی دعوت به سوی خدا را حکمت، موعظه حسنه و جدال احسن معرفی کرده است. آیات مربوط به تبلیغ عیسی(ع) بر اساس این سه محور مورد بررسی قرار گرفته و حاصل پژوهش بدین صورت است:

- ۱- تبلیغ بر اساس بینه و دعوت مردم به عبادت «الله» به شیوه‌ی حکمت است، زیرا که دارای برهان و استدلال عقلی است.
- ۲- تصدیق تورات توسط عیسی(ع) در دعوت مردم، تبلیغ از نوع جدال احسن است.

منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق)، المحکم و المحيط الأعظم، به تحقیق عبدالحمید هنداو، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ابن فارس، أحمد بن فارس (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
- الهامی نیا، علی اصغر (بی تا)، تبلیغ در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف و البیان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- جعفری، یعقوب (۱۳۷۶ش)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹)، تفسیر تسنیم، قم: انتشارات اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق)، صحاح اللغة، بیروت: دار العلم للملایین.
- خوانساری، محمد (۱۳۸۸ش)، منطق صوری، تهران: موسسه انتشارات آگاه، چاپ چهل و دوم.
- خویی، ابوالقاسم (۱۴۳۰ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احياء آثار الامام الخوئی.

- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۷ش)، لغت نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
- رهبر، محمد تقی (۱۳۷۱ش)، پژوهشی در تبلیغ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- شفق، محمد ابراهیم، (۱۳۹۰ش)، جایگاه دانش، در رهبری و تبلیغ از منظر قرآن، دوفصلنامه پیام مبلغ، سال پنجم، شماره ششم، صص ۱۹۱-۲۳۶.
- طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش)، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان لعلوم القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- _____ (۱۴۱۲ق)، تفسیر جوامع الجامع، قم: مرکز مدیریت.
- طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم.
- عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق)، الفروق فی اللغه، بیروت: دار الآفاق الجدیده.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، مفاتیح الغیب، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.

- فیروز آبادی، مجد الدین محمد (۱۴۲۰ق)، قاموس المحيط، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فیومی، أحمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دار الهجرة، چاپ دوم.
- قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چاپ ششم.
- کرمی، رضا علی (۱۳۸۰ش)، روش تبلیغ، قم: افق فردا، چاپ چهارم.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مظفر، محمد رضا (۱۳۶۸ش)، منطق، صانعی دره بیدی، تهران: انتشارات حکمت.
- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، قم: دار الکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دهم.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶ش)، تفسیر راهنما، قم: بوستان کتاب.

